

## پیش‌واز بهار، استقبال از آزادی!

فاضل سانچارکے

بهار به عنوان روزی نو، ریشه در عمق تاریخ دارد و تا همین اکنون پژوهش‌گران نتوانسته‌اند سر‌آغازی برای این روز خجسته و میمون بیابند و نطفه‌ی آغازین شکل‌گیری نوروز را با استدلال بیان کنند، حدس و گمان‌ها فراوان است اما حقیقت چیزی است که هنوز در پرده‌ی ابهام باقی مانده، همین قدامت و دیرینگی است که اهمیت و ریشه دار بودن این آیین باستانی و این جشن فرخنده‌ی آریایی را نشان می‌دهد، نوروز سر‌آغاز بیداری طبیعت و جشن رستن و شکفتن و سبز شدن است، بیدل می‌گوید:

منتظران بهار، بوی شکفتن رسید

مژده به گل‌ها برید، یار به گلشن رسید

لمعه‌ی مهر ازل بر در و دیوار تافت

جام تجلی بدست، نور ز ایمن رسید

علاوه بر این، نوروز راز و رمزها و نشانه‌های دیگر نیز دارد، این روز نماد تعادل است، همان‌سان که گردش ایام و لیالی در نوروز به تعادل نزدیک می‌شود، مزاج انسانی و خوی و خلق وی نیز باید رو به تعادل نهاد و در بینش و نگاه انسان، در داوری، در واکنش و عمل کرد وی نیز هم‌آهنگی و توازن پدید آید.

نوروز روز بیداری است، در این روز طبیعت می‌جنبد، بیدار می‌شود، خاک نفس می‌کشد، نسیم، پیغام پویایی و شکوفایی را در گوش باغ و راغ زمزمه می‌کند، زمین سبز و زنده و زیبا می‌شود، تازگی و طراوت و زیبایی در همه جا برق می‌زند و شادی مانند گل وحشی در صحرا، مست و مخمور و سودا زده می‌خندد و پیرهن چاک می‌کند، چنان‌که خیام می‌گوید:

بر چهره‌ی گل نسیم نوروز خوش است

در طرف چمن روی دل افروز خوش است

از دی که گذشت هرچه گویی خوش نیست

خوش باش و زی مگو که امروز خوش است

نوروز روز داد و دهش و بخشش وجود و سخا نیز هست، در این روز آسمان سخاوت نشان می‌دهد، پهنا‌ی سینه اش را به گستردگی نگاه خداوند بر روی زمین و زمینیان می‌گشاید و روشنایی و آفتابش را بی دریغ به همه اطراف و اکناف عالم هدیه می‌کند.

نوروز روز پاکی و پاکیزگی و صفا و نظافت نیز هست، همان‌گونه که نگاه آسمان پاک و شسته و شفاف است، خانه و کاشانه‌ی ما نیز

باید شسته و پاک باشد، خانه‌ها گردگیری و همه جا آب پاشی و جاروب زده شود، درخشش و صفا و تازگی در همه جا به چشم آید و درخت و گل و گیاه همراه با زندگی انسان‌ها یک جا بشاش و پر طراوت گردد.

نوروز روز شادی و سرور و مستی است، چراکه زندگی در این روز نو می‌شود، خون حیات در عروق خاک و گل و گیاه و درخت به جریان می‌افتد، نشاط و تحرک و جنبش همه ذرات هستی را به رقص و پای کوبی در می‌آورد، شور آواز در گلوی خاک می‌دمد و غزل - غزل ترانه و سرود بر لب طبیعت سبز می‌شود.

نوروز روز دادگری است، چنان‌که جمشید در نوروز به داد می‌نشست، صلای عام می‌داد و به بی‌عدالتی‌ها رسیدگی می‌کرد و چنان‌که می‌گویند امام علی در این روز بر تخت نشست، غریب عدالت زمین و زمان را پر کرد و خیلی‌ها که تاب عدالت علی را نداشتند، صفوف مخالفت آراستند، علم‌های عداوت بر افراشتند و واقعات جان‌کاه پدید آوردند، اما در نهایت پرچم داد و دهش و فره‌هی به اهتزاز در آمد، پرده‌های سیاه پاره گردید و گاو فتنه بر ریگ‌زار ناکامی زانوزد و ضجه کرد.

اگر در بلخ، شهر مولای علی و در همه مزارات نام‌دار افغانستان، جهنده‌ها بر می‌افراشتند و علم‌ها به اهتزاز می‌آوردند، به خاطر تجلیل از خاطره‌ی تاریخی عدالت علوی از یک‌سو و شهادت بی‌بدیل ابومسلم خراسانی به خاطر زدن سر بی‌عدالتی و تعصب قومی و اهتزاز بیرق دادگری در جهان اسلام از سوی دیگر است.

نوروز روز نو، سخن نو و پیام نو است؛

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر

سخن نو آر که نورا حلاوتی است دگر

سال پار با همه‌ی روایت‌ها و حکایت‌های تلخ و دردناکش سپری شد، سرزمین گل و آفتاب و آینه در چنگال مهیب زمستان و سرما و سردی دهشتناک گرفتار گردید و خروار خروار درد و فاجعه از راه رسید و فرزندان مام میهن آواره و بی‌خانمان یا زیر شکنجه و تعذیب و یا هم به کام مرگ سپرده شدند و اکنون سال نو از راه رسیده است.

سال نو باید با روی‌کرد تازه و حدیث نو و روایت‌های شیرین آغاز شود، اما گو این‌که این کشور همواره خلاف طبیعت سیر کرده و گردش‌ها و چرخش‌های ایام در این جا باژگونه بوده است، به روی‌کردها و حرف و حدیث‌های تازه چندان امیدوار نمی‌توان بود اما می‌توان انتظار داشت که ملت و ملت‌مداران ما اندکی بیش‌تر تکان بخورند و همراه با طبیعت و رویش گل‌ها و سبزه‌ها و جوشش چشمه ساران دست به کار تازه شوند و پیغام نوی به مادر میهن عرضه کنند.

در نوروز، چشم‌ها را باید در زلال آبی عاطفه‌ها شست، نگاه‌ها را با شبنم گلبرگ‌ها شفاف ساخت و بصیرت‌ها را تیز و صافی کرد و طور دیگر باید دید، یعنی درست، صحیح، بی‌پرده و عریان، سال گذشته را باید به خاک سپرد با همه‌ی کینه‌ها و کدورت‌های خودی و درونی، دست‌ها را به هم داد و دسته‌ها را یکی کرد و باید به پیشواز بهار شتافت، به پیشواز آزادی....

نوروز روز شادی، سرور، لبخند، خاطره، خوشخویی، نیکی، نکویی، نیک حالی، امید و روشنی است:

امروز روز شادی و امسال سال گل

نیکوست حال ما که نکو باد حال گل

بهار طبیعت و جشن باستانی نوروز به همه‌ی دوستان مبارک باد!